



فوتبال «چرا» دارد پاسخش با سرمربی است



آرمن ساروخانیان

روزنامه نگار

مصاحبه تلویزیونی دوشنبه شب امیر قلعهنویی مطابق انتظار پاسخی به دلایل شکست تیم ملی مقابل قطر نداشت. برای کسانی که مصاحبه‌های قلعهنویی را در این سال‌ها به خاطر دارند، قابل پیش‌بینی بود که او قرار نیست اشتباهی را بپذیرد و از تمام تصمیماتش دفاع خواهد کرد. سرمربی تیم ملی هرچند در ظاهر عذرخواهی کرد، ولی باخت را فقط و فقط به اتفاقات مرتبط دانست.

مخالفت فینال جام جهانی

تکراری‌ترین جمله قلعهنویی در پاسخ به سؤالات مجری این بود: «فوتبال چرا ندارد!» او با گفتن مثال‌هایی از فینال جام جهانی ۲۰۲۲ تلاش کرد نقش اتفاقات را در فوتبال پررنگ نشان بدهد. مثلاً به دقیقه ۱۲۳ کولومبانی اشاره کرد که می‌توانست فرانسه را برنده کند. اما این فقط تصویر کوچکی از آن بازی پر حادثه است. عامل مهم‌تر در شکست فرانسه شروع ضعیف این تیم و دریافت دو گل در نیمه اول بود. دشان در واکنش به این گل‌ها دو تعویض در دقیقه ۴۱ داشت. دو تغییر پیش از پایان نیمه در فینال جام جهانی معنایی جز اشتباه در انتخاب ترکیب اصلی قلعهنویی هم نیمه دوم بازی با قطر را با

دو تعویض شروع کرد. چطور می‌توان ادعا کرد همه تصمیمات کادر فنی درست بوده، وقتی تیم ملی نیمه دوم را با تعویض کاپیتان و البته سیستم بازی‌اش شروع می‌کند. قلعهنویی تعویض نکردن تا دقایق پایانی نیمه دوم را نشانه برتری تیمش دانست، ولی به این موضوع نپرداخت که انتخاب طارمی برای گوش چپ در این بازی جواب نداد و این تصمیم خلق‌الساعه که در بازی‌های قبلی تست نشده بود، اجازه درخشش را از ستاره تیم ملی مقابل قطر گرفت.

پررنگ کردن اتفاقات

استدلالی که قلعهنویی برای توجیه شکست مقابل قطر به کار برد، موفقیت‌های قبلی تیم ملی را هم زیر سؤال می‌برد. با پافشاری روی عامل شانس می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که برد تیم ملی مقابل ژاپن هم اتفاقی بوده، ولی مگر می‌شود در فوتبال مدرن نتایج را فقط نتیجه اتفاقات دانست؟ رسانه‌ها و کارشناسانی که بعد از بازی با قطر انتقاد کردند، همان‌ها بودند که نقشه بازی تیم ملی مقابل ژاپن را ستودند.

تیم ملی در جام ملت‌های آسیا دو بازی مقابل مدعیان داشت که یکی را برد و یکی را باخت. عملکرد قلعهنویی بابت شکست دادن ژاپن قابل تمجید است، ولی نمی‌توان تصمیمات او مقابل قطر را زیر سؤال نبرد. وقتی پای مقایسه مربیان این تورنمنت مطرح باشد، نمی‌توان به مارکز که تا قهرمانی بدون اشتباه رفت نمره مشابهی با قلعهنویی داد، همانطور که پائولو بنتو بعد از حذف امارات در یک

هشتم‌نهایی نمی‌تواند ادعا کند که به خوبی حسن عموئا، سرمربی اردن کار کرده و تیمش فقط قربانی اشتباهات شده.

آمار برای انحراف افکار

قلعه‌نویی مثل دستیارش الهویی اصرار داشت که عملکرد تیمش با آمار بررسی شود، ولی از میان صدها آیتم فقط آنهایی را مطرح کرد که به نفع تیمش بوده. او تأکید می‌کند که تیمش در ساختار دفاعی جزو دو تیم اول بوده، بدون اینکه پارامتر ارزیابی و منبع آن را ذکر کند. هر طرفدار فوتبالی می‌داند که معیار اول بررسی عملکرد دفاعی یک تیم تعداد گل‌های خورده است و بعد از آن می‌توان سراغ آیتم‌های دیگر رفت. قلعهنویی چطور می‌تواند از عملکرد دفاعی تیمی که مقابل قطر سه گل خورده دفاع کند؟ او دلایلی مثل نداشتن تمرکز مدافعان را دلیل این گل‌ها دانست، ولی حتی تمرکز بازیکنان هم بخشی از مسئولیت کادر فنی است.

دوست و دشمن استحکام دفاعی تیم ملی در دوره اول کوشش را می‌ستودند و دلیل این ادعا آمار گل خورده پایین و کلین‌شیت‌های تیم ملی بود، نه پارامترهایی که قلعهنویی به آن اشاره دارد.

جواب چراها با چه کسی است؟

شانس قطعاً در نتایج فوتبال دخیل است، ولی سهم آن چقدر است؟ اگر سهم شانس در نتایج بالا برود، فوتبال تفاوت‌چندانی با تاس ریختن نخواهد داشت، پس تلاش

یک امیر متفاوت؛ از ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۴

نیازی به این همه عذرخواهی نبود

در پاسخ به تقویت کادرفنی نیز قلعهنویی موضع درستی را اتخاذ کرد. او پذیرفت که شاید با حضور مربیانی باتجربه‌تر بتواند در آینده تیم ملی را با شرایط بهتری به مسابقات بفرستد. اتفاقی که نشان از تفاوت قلعهنویی با امیری داشت که بعد از جام ملت‌های آسیای ۲۰۰۷ مقابل دوربین‌ها نشست و مصاحبه کرد. او آن زمان موضع متفاوتی را برگزید که خیلی به دل کارشناسان و هواداران نشست. هر چند در آن تورنمنت هم ایران با شکست مقابل کره جنوبی در ضربات پنالتی از دور رقابت‌ها حذف شد.

تنها موردی که خیلی در مصاحبه قلعهنویی با محمد حسین میثاقی در برنامه فوتبال برتر مشاهده شد، عذرخواهی‌های متعدد سرمربی تیم ملی بود. او بارها بابت نتایجی که ایران در جام ملت‌های آسیا کسب کرد، عذرخواهی کرد که شاید نیاز به تکرار این موضوع نبود. اگر منصفانه قضاوت کنیم، ایران در این تورنمنت، هر چند اشتباهاتی را نیز مرتکب شد اما در کلیت موفق بود و توانست به جمع چهار تیم برتر مسابقات برسد نشان از موفقیت است. هر چند این موفقیت می‌توانست با حضور در فینال و شکست قطر به پررنگ‌تر شود.

بعد از این تورنمنت مهم، برخی از تیم ملی انتقاد کردند و بعضی از کارشناسان هم موضع حمایتی را در پیش گرفتند. منتقدان بر این عقیده بودند که تعویض‌های امیر قلعهنویی مقابل قطر می‌توانست متفاوت باشد. مثلاً به جای شریهار مغاللو و رضا اسدی شاید بهتر بود مهدی قایدی و علی قلی‌زاده وارد زمین شوند. پاسخ امیر به این سؤال اما جالب توجه بود. او تأکید کرد وقتی تیمی ۱۰ نفره می‌شود، بهتر است با یک یار کمتر رو به بازی هوایی و مستقیم بیاورد. پاسخ قلعهنویی قانع‌کننده است. چون مقابل قطر ما زمانی نداشتیم که رو به بازی تاکتیکی بیاوریم و البته یک بازیکن هم کمتر در اختیار داشتیم و همین مسأله کار را کمی دشوار می‌کرد.

امیر اسدی
روزنامه نگار

تیم ملی با اینکه در مرحله نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا حذف شد و نتوانست بعد از سال‌ها به فینال برسد اما در کلیت مسابقات و با توجه به شرایطی که قبل از آغاز تورنمنت وجود داشت، روزهای موفق‌تری را رقم زد. اینکه ایران با این برنامه‌ریزی، تدارک و همچنین نبود زیرساخت‌هایی که صحبت درباره آن دیگر کلیشه‌ای شده، توانست به جمع چهار تیم برتر مسابقات برسد نشان از موفقیت است. هر چند این موفقیت می‌توانست با حضور در فینال و شکست قطر به پررنگ‌تر شود.

فوتبال است» همه چیز را رفع و رجوع کند. قلعهنویی پارامتر شانس را به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در فوتبال معرفی کرد؛ آنچه که با انگاره‌هایی چون تاکتیک، برنامه و پلن در تضاد شدید است و تمامی مستندات قبلی امیر و اشارات او به آمار را یکسره پا در هوا جلوه می‌دهد. واقعیت اینجاست که اگر بخواهیم از برتری آماری صحبت کنیم و با اتکا به گراف و اعداد کارنامه خود را بسنجیم و نمره قبولی به خود بدهیم، بنابراین هرگز نباید برای پارامتری همچون شانس و اقبال جایگاهی قائل باشیم. در غیر اینصورت اگر شانس و تصادف تعیین‌کننده در فوتبال است، پس

داستان غریب توسعه دادن فوتبال در جام ملت‌ها

«امید گل» های مرا بشمار و «کیف» کن!

از مربیان شکست‌خورده و ابقا شده این است که مدعی پیروزی نشوند و به جای بدکار بودن، ژست طلبکاران را نگیرند. قلعهنویی در مصاحبه پریشب خود به کرات کوشید نقش بخت و اقبال را در نتایجی که یوزها در جام ملت‌های هجدهم آسیا گرفتند، عمده کند و مدعی شود که بدشانسی از دلایل اصلی ناکامی ما بوده است. این در حالی است که بخت و اقبال جزئی عادی و همیشگی از هرگونه رقابت ورزشی است و هرگز به تنهایی نتیجه یک مسابقه را تعیین نمی‌کند و اگر سختکوش و شایسته باشی، در روز بدبختی‌ات هم می‌توانی به پیروزی برسی. پنهان شدن پشت واژه‌های مدرن فوتبال و این عبارت غریب از زبان الهویی که پیش‌تر گفته بود: «ما در جام ملت‌ها به دنبال توسعه فوتبال بودیم و نه لزوماً پیروزی و قهرمانی!!» نشانگر این است که کادر فنی تیم ملی تصور می‌کند از طریق بازی با الفاظ می‌تواند از خود رفع مسئولیت کند حال آنکه هر آدم فوتبال‌فهم و کارشناسی منصف و حتی آدم‌های عادی تشخیص می‌دهند که اینها فقط بهانه‌جویی است. مردم قهرمانی و جام می‌خواهند و نه توسعه فوتبال را و توسعه فوتبال فقط دستورالعمل سمنارها و برنامه کار کنفدراسیون‌ها و فدراسیون‌های قاره‌ای است و اگر هم توسعه فوتبال مهم باشد، جای نیل به آن جام‌های بزرگ قاره‌ای و جهانی نیست. شمارش امید گل‌های تیم ملی مشکلی را حل نمی‌کند و فقط فتح جام‌ها حلال معضلات و برآورده‌کننده خواسته‌ها است؛ به همین صراحت و سراسرستی.

وصال روحانی

روزنامه نگار

امیر قلعهنویی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران دوشنبه شب در مصاحبه‌ای تلویزیونی در توجیه دلایل ناکامی این تیم در رقابت‌های اخیر جام ملت‌های آسیا از همان راهی وارد شد که پیش‌تر سعید الهویی، دستیار نخست او به آن گام نهاده بود و در نتیجه توفیقی در قانع کردن مردم عادی و اهالی این ورزش نداشت. استاد به یک سری آمار و ارقام و کسب بیلان‌های نسبتاً بالا در مواردی مثل پرس، کاترپرس، مالکیت توپ و «امید گل» اگرچه اسباب رضایت می‌شود اما مادامی که منجر به بردن مسابقات و فتح جام‌ها نشود، فایده‌ای نخواهد داشت. چه فایده‌ای که ما مثلاً دومین آمار را در ایجاد فرصت گل داشته باشیم و در دوندگی و پرس حریفان یکی از بهترین‌های یک تورنمنت بزرگ قاره‌ای به حساب آییم اما سر بزنگاه در مهم‌ترین دیدارمان مغلوب شویم و از راهیایی به فینال و به تبع آن کسب قهرمانی محروم شویم. هر مسابقه‌ای در ورزش فوتبال و هر ورزش دیگری و حتی بازی‌های دوستانه باید با هدف پیروزی آغاز و تمام شود و اگر این هدف حاصل نیاید، به این معنای مستقیم و صریح است که در سیاستگذاری‌های خود شکست‌خورده‌ایم. در نظام‌های فوتبالی هدفمند همین ناکامی‌ها کافی است تا مربیان خالق این گونه نتایج برکنار و مربیان جدیدی منصوب شوند و اگر نزد ما از این روش مرضیه‌تاسی نمی‌شود، حداقل انتظار

حقیقت پلی استیشن نیست!

دفاع با استاندارد دوگانه

سعید آقایی

روزنامه نگار

«این فوتباله، پلی استیشن نیست!» این جمله ترجیح‌بند صحبت‌های امیر قلعهنویی سرمربی تیم ملی در دفاعیه از خود بود. مردی که دو هفته پس از ناکامی تلخ تیم ملی برابر قطر در

نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا و بر باد رفتن آرزوهایش به تلویزیون آمد تا درباره دلایل این ناکامی بزرگ صحبت کند. امیر در دفاعیه تلویزیونی‌اش کوشید همه چیز را به آمار و ارقام ربط دهد و حقانیت خودش و تیمش را با توسل به اعداد ثابت کند اما او هرگز نگفت چرا این برتری عددی به زعم او و همکارانش به نتیجه منتج نشده و کوشید با جمله «این

هرگز این اعداد هیچ اعتباری ندارند و نمی‌توان با پیش کشیدن آنها نمره قبولی به خود داد. در حقیقت این مؤلفه، دو قطب کاملاً مخالف هستند که یکدیگر را همیشه نقض می‌کنند و نمی‌توان با یک استاندارد دوگانه کارنامه تیم ملی را تحلیل کرد؛ اینکه هر کجا که پای برنامه‌ریزی و پلن وسط باشد به آمار و اعداد استاد کنیم و هر زمان که از باخت و شکست صحبت به میان می‌آید آن را به شانس و اقبال مرتبط بدانیم. با این استاندارد دوگانه هیچ تحلیلی و قضاوتی درست از آب در نمی‌آید و نمی‌توان حقیقت را کتمان کرد؛ حقیقتی به نام شکست.